



مجلس شورای اسلامی ایران
کتابخانه مجلس شورای اسلامی



بیانات حضرت آیت الله جوادی املی در دیدار اعضای همایش مرجع بیداری اسلامی

حضرت آیت الله جوادی املی در دیدار اعضای همایش بزرگداشت آیت الله نجفی اصفهانی اظهار داشتند: انبیاء(ع) در سه عنصر محوری معلومات، روش علمی، آثار و پیامدهای علمی از دیگران ممتاز بودند. ریاضات مرحوم آیت الله آقا نجفی اصفهانی، او را جزء وارثان انبیا قرار داده است.

به گزارش خبرنگار پایگاه اطلاع رسانی اسراء، معظم له در دیدار اعضای برگزار کننده بزرگداشت مرحوم آیت الله آقا نجفی اصفهانی با وی، آیت الله نجفی اصفهانی را از شخصیت‌های کم‌نظیر در بین عالمان دین عنوان کردند.

ایشان ابرازداشتند: اصل کلی آن است که "العلماء ورثه الأنبياء" یعنی عالمان، وارثان راستین انبیا هستند؛ یعنی عالمان هم معنا کردند و هم عمل کردند و هم دیگران را به این معنا و عمل، هدایت کردند.

معظم له افزودند: کسی که کتاب‌هایی که از انبیا و اولیا رسیده است را می‌خواند، می‌فهمد و درس می‌گوید وارث پیامبر نیست، خواه فقه باشد، خواه فلسفه باشد و یا عرفان. اولین و عنصری‌ترین معنای وراثت انبیا تحقیق معنای ارث‌بری است.

حضرت آیت‌الله جوادی املی ابرازداشتند: در ارث مادی، تا مورث نمیرد چیزی به وارث نمی‌رسد؛ اما در ارث علمی و

انبیاء(ع) در سه عنصر محوری معلومات، روش علمی، آثار و پیامدهای علمی از دیگران ممتاز بودند. ریاضات مرحوم آیت الله آقا نجفی اصفهانی، او را جزء وارثان انبیا قرار داده است.

بعثت، معنایش همین است که آنها برانگیخته شدند تا جامعه را احیا کنند.

استاد برجسته حوزه علمیه قم افزودند: این روش، این پیامد در قرآن کریم به خوبی مشخص شده است که فرمود: چه در سوره مبارکه انفال چه در آیات دیگر این مضمون است که "اَسْتَجِیْبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْیِیْكُمْ" بیداری غیر از احیا است، ممکن است کسانی جامعه را که خواب‌اند بیدار بکنند، اما جامعه مرده را زنده نمی‌کنند. انبیا، جامعه مرده را زنده می‌کنند.

معظم له ادامه دادند: انسان زنده یا خواب است یا بیدار، اگر خواب بود او را بیدار می‌کنند، بیدار یا ساکن است یا متحرک، اگر ساکن بود تحریک‌شان می‌دهند و اگر حرکت کند بود سریع‌تر می‌کنند و اینها را همراهی می‌کنند که در سوره نساء فرمود "وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِیقًا" اینها هم راه هستند و هم همراه صراط مستقیم اینها هستند، که در زیارت جامعه به پیشگاه اهل بیت عرض می‌کنیم "انتم الصراط الاقوم" بنابراین، البته توقع نیست کار انبیا را علما انجام بدهند اینها توان زنده کردن مرده‌ها را ندارند اما توان بیدار کردن خوابیده‌ها را دارند.

ایشان افزودند: مرحوم آیت الله نجفی اصفهانی در این سه بخش از شاگردان انبیاست، درست است که سالیان متمادی در ایران، در نجف درس‌های فراوانی خواند، در فقه آثاری دارد، در اخلاق آثاری دارد، در مسایل دیگر آثاری دارند، اما آن بخش‌های اساسی‌شان در آن اشارات ایمانی است که تقریباً ۹۹ اشاره است با یک نور که جمعاً صد می‌شود. در آن کتاب شریف فرمودند: من ۱۳۰ نسخه عرفانی و امثال عرفانی را بررسی کردم و عصاره مطالب مشروع آنها را در نوشته‌هایم آوردم این یک گوشه است، گوشه‌اش آن زیارت‌ها و آن توسل‌ها و آن رفتن به قبرستان تخت فولاد و آن اربعین‌گیری‌هاست.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی اظهار داشتند: معلومات مرحوم آیت الله نجفی اصفهانی و روش علمی او و آثار و برکات علمی او در این سه جهت می‌تواند این بزرگوار را شاگرد انبیا قرار بدهد، وقتی شاگرد آنها شدند با آنها ارتباطی پیدا می‌کنند و چون با ریاضت‌ها به موت ارادی رسیده‌اند می‌توانند وارث آنها بشوند و می‌توان درباره او و امثال او گفت «العلماء ورثة الانبیاء» غالب نوشته‌های این بزرگوار درباره معارف توحیدی است، درباره خدا و توحید خدا و اسمای حسنی او، وحی و نبوت و امثال اینهاست، که از نظر معلوم، روش انبیا را دارد، از نظر روش علمی، روش انبیا را دارند. برای این که بسیاری از مطالب اینها را می‌گویند، با ریاضت و کشف و شهود برای من حل شد این ریاضت‌ها بر اساس (وَبُزِّ كَیْهِمْ) معقول است.

معنوی انبیا، تا وارث نمیرد چیزی به او نمی‌دهند. بنابراین، خیلی از علما، علمای دین‌اند، اهل سعادت و بهشت‌اند ولی وارث انبیا نیستند.

ایشان افزودند: تنها آن گروهی از عالمان وارث انبیا هستند که بمیرند به "موتوا قبل أن تموتوا" برسند، با موت ارادی بمیرند تا از مورثانشان ارث ببرند.

این مرجع تقلید ادامه دادند: مرحوم آیت الله آقا شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی از زمره این عالمان بود که با موت ارادی درگذشت و وارث سهمی از علوم انبیا شد.

ایشان با طرح این سؤال که راه مرگ ارادی چیست؟ و چگونه انسان می‌میرد تا وارث علوم انبیا بشود؟ افزودند: انبیا(ع) در سه عنصر محوری ممتاز بودند، هم معلومات آنها با معلومات دیگران فرق داشت، هم روش علمی آنها با روش علمی عالمان دیگر فرق داشت و هم آثار و برکات علمی آنها با آثار و پیامدهای علمی دیگران فرق داشت و دارد.

مفسر بزرگ قرآن کریم افزودند: مهمترین بخش معلومات انبیا(ع) مساله توحید و اسمای حسنی الهی، وحی و نبوت، فرشتگان، برزخ و معاد، بهشت و جهنم، صراط و میزان و مواقف قیامت و آشنایی به پنجاه هزار سال که برای برخی‌ها به اندازه یک نماز واجب است، می‌باشد. بنابراین، اینها را انبیا فهمیدند.

ایشان اضافه کردند: معلومات آنها گرچه مربوط به کل جهان است، اما عنصر محوری معلومات انبیا را این بخش‌ها تشکیل می‌دهند، روش علمی آنها هم روش مدرسه نیست، ممکن است کسی مدرسه برود و آموزگار ببیند، مکتب برود، مکتب رفتن مانع نیست ولی مکتب رفتن شرط راه انبیا هم نیست، ممکن است کسی مکتب نرود و مسأله آموز باشد. معظم له ابراز داشتند: انبیا بدون این که مکتب بروند، یعنی راه تجربه‌حسی و راه تجرید عقلی را بدون این که راه‌های فوق را طی کنند راه شهود قلبی را می‌پیمایند و زودتر از همه و سریع‌تر از همه و بهتر از همه به مقصد می‌رسند.

ایشان اضافه کردند: راه انبیا راه شهود است نه راه حصول. راه علم حضوری است، نه علم حصولی، نه راه تصور و تصدیق. لذا، روش معرفتی انبیا، شهود خدا و اسمای حسنی الهی و فرشتگان و آمد و رفت ملائکه را ببینند و امثال ذلک است.

حضرت آیت الله جوادی آملی افزودند: عنصر سوم آثار و برکات علمی عالمان دینی، آن است که هم برای خودشان مصداق کامل "إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ" هستند و هم نسبت به دیگران زنده کردن جامعه، بیدار کردن امت، پویایی و پایایی امت را به عهده داشت این کار آنها است و



هم با این گونه از معارف همراه است.

معظم له افزودند: به ما گفتند به زیارت اهل قبور بروید البته، تذکره و موعظه را به همراه دارد. ثواب را به همراه دارد. اینها از برکات زیارت اهل قبور است، اما زیارت اهل قبور به منزله یک مدرسه است نه مدرسه تجربی حسّی، نه مدرسه تجریدی فلسفی و کلامی، مدرسه شهودی برای این که ادب زیارت این است که وقتی به حضور این بزرگواران رسیدیم، عرض کنیم: «السَّلَامُ عَلٰی اَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ اَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا اَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» اینها را قسم می‌دهیم به الله، که آن را که خیر شد خبری باز آید، نه این که آن را خبر شد خبری باز نیاید. می‌گویند وقتی می‌روید در قبرستان، از آنها بخواهید آنها را قسم بدهید به خدا، بگویید آن‌جا چه خبر است؟ چه دیدید؟ آن‌جا چه می‌خواهند؟ این که با علم حصولی نیست، این که با حس و تجربه نیست تا بگوییم «من فقد حساً فقد فقد علماً» نه آنها این حس را دارند، نه ما با چشم و گوش عادی می‌شنویم. آنها چه می‌گویند، راه مفهوم هم که نیست این راه رؤیاست، یا رؤیت یا انسان در بیداری به جایی می‌رسد.

حضرت آیت الله جوادی آملی فرمودند: وجود مبارک حضرت امیر که بعد از جریان صفین، آن کسی که در خدمتش بود نزد حضرت آمد در وادی السلام و با آنها مذاکره کرد و سخنی گفت و سخن آنها را شنید، یا لا اقل انسان در عالم رؤیا مشاهدات خوبی داشته باشد با این‌ها صحبت بکند. زیارت قبور، مدرسه است و آقای نجفی این راهها را طی کرده، چه در تخت فولاد اصفهان، چه در نجف. ایشان ابراز داشتند: بنابراین "مَنْ فَقَدَ تَقْوًا فَقَدَ فَقَدَ عَلَمًا" آن علم، آدم را وارث انبیا می‌کند، نه این علم‌های حوزوی و دانشگاهی. برای این که این کشف خلاف در آن هست. آن کشف خلاف در آن نیست و مرحوم آقای نجفی این قسمت مهم کوشش آن راه چندین جا می‌گوید من و برادرم در این ریاضت حضور و ظهور داشتیم. منتها او در نجف مانده، به من در همان عالم گفتند که باید برگردی به شهر خودت، مأموریت داری. آمد اصفهان، سالیان متمادی در اصفهان بودم، آنجا حوزه علمیه تشکیل دادم، بزرگوارانی تربیت کردم. پس این هست، برای ما خسارت است که این راه را طی نکنیم و بگوییم «العلماء ورثة الأنبياء»، این کار آسانی نیست. اینجا موت ارادی می‌طلبد تا انسان از مورث خود ارث ببرد موت ارادی هم راهش تهذیب است.

مفسر بزرگ قرآن کریم افزودند: بنابراین روشی که انبیا داشتند که روش مشاهده بود شنیدن صدای ملائکه بود، دیدن ملائکه بود. این روش را این بزرگواران طی کردند. منتها، انبیا در قلعه‌اند و اینها در دامنه کوه‌اند. ولی راه همین

ایشان افزودند: در بیانات نورانی حضرت علی (ع) است که در نهج البلاغه آمده فرمود «هذه نفسى عروضها بالتقوى» ریاضت یعنی تمرین، من جانم را با تقوا تمرین می‌دهم. «هذه نفسى عروضها بالتقوى» نفس، یک موجود مجرد است. وقتی غبار نگیرد با گناه و با غفلت غبار آلود نشود اسرار الهی در او می‌تابد. گناه غبار است، چرک است. به تعبیر قرآن کریم که فرمود: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» رین یعنی چرک یعنی این سیئات گفتاری و رفتاری و نوشتاری و مانند آن این رین و چرک و غباری است روی صحنه آینه دل، خب آینه غبار آلود جایی را نشان نمی‌دهد، چه سُرّی در آینه‌ای که بسته است منعکس می‌شود؟

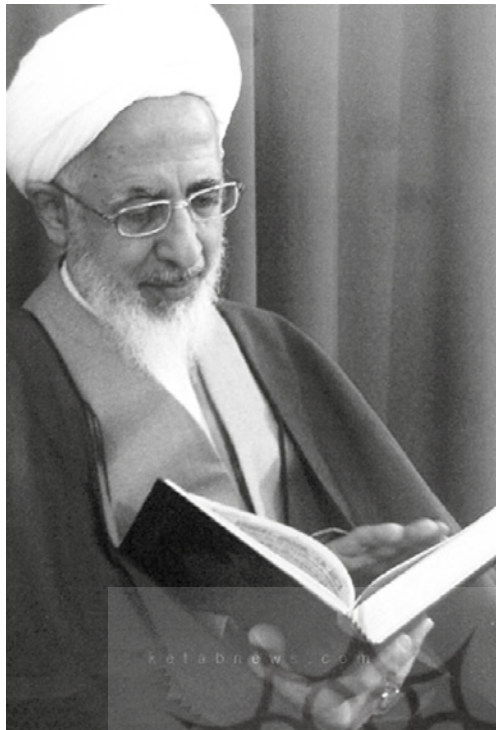
مفسر بزرگ قرآن کریم افزودند: اگر کسی با ریاضت صحنه دل را شفاف کند اسرار عالم در او می‌تابد. این راهی است رفتنی که عده‌ای از بزرگان رفتند. مرحوم آیت الله نجفی هم از همین قبیل است، این که در سوره مبارکه «انفال» فرمود «إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» این یک حرف تازه‌ای است که انبیا آوردند این حرفی است که قبل از انبیا نبود، در خارج حوزه نبوت نیست، آن حرفی که در حوزه‌ها و دانشگاهها رواج داشت و دارد همین است.

ایشان ادامه دادند: «مَنْ فَقَدَ حَسًّا فَقَدَ فَقَدَ عَلَمًا» اما این حرف آسمانی است «مَنْ فَقَدَ تَقْوًا فَقَدَ فَقَدَ عَلَمًا» این حرف نبود الان هم نیست، آن درست است. کسی نمی‌گوید حرفی که از دیرزمان رایج بود در کشورهای دانش پژوه و دانش پرور که «مَنْ فَقَدَ حَسًّا فَقَدَ فَقَدَ عَلَمًا» درست است، کسی منکر آن نیست؛ اما تنها راه تجربه و تجربه حسّی کافی نیست. بخشی از معلومات را تجربه حسّی حل می‌کند، اما بخش دیگرش را تجرید که فلسفه و کلام است حل می‌کنند و بخش دیگرش را، مشاهده که از فلسفه و کلام هم بر نمی‌آید حل می‌کند.

ایشان افزودند: این که خداود در سوره مبارکه انفال فرمود «إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» یعنی تقوا باعث رسیدن به مقام فرق بین حق و باطل، خیر و شر، حسن و قبیح، صدق و کذب و اینهاست. این کار آسانی نیست. و اگر مرحوم کلینی در جلد دوم کافی، آن حدیث حارثه بن مالک را که به محضر حضرت رسیده است و مرحوم آقای نجفی هم خیلی به آن حدیث اشاره می‌کنند که به پیامبر (ص) عرض کرد "مَنْ أَصْبَحَتْ كَأَنِّي إِلَى عَرْشِ الرَّحْمَنِ بَارِزًا" و حضرت هم تصدیق کرد بعد فرمود "هَذَا عَبْدٌ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ" این راه باز است، چه این که فرمود "كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ" این "لَتَرَوُنَّ" یعنی الآن که اینجا نشستنی جهنم را می‌بینی، نه این که بعد از مرگ می‌بینی، چون بعد از مرگ کفار هم می‌بینند. می‌گویند "رَبَّنَا ابْصُرْنَا وَسَمِعْنَا" پس قرآن آن راه شهود را به سوی ما باز کرده است تعلیمات عادی ما



راه انبیا راه شهود است نه راه حصول. راه علم حضوری است، نه علم حصولی، نه راه تصوّر و تصدیق.



کسانی که جامعه را به قسط و عدل دعوت می‌کنند شهید می‌کنند که نام "الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ" در کنار انبیا آمده، اینها همان‌هایی هستند که راه انبیا را طی می‌کنند.

معظم له ابراز داشتند: بنابراین، معنای "العلماء ورثة الأنبياء" روشن شد. ارث وقتی است که وارث بمیرد، نه مورث و موت هم، موت ارادی است نه موت طبیعی. و چنین عالمی هم در بخش‌های معلومات روش انبیا را دارد، هم در بخش‌های نحوه فراگیری روش انبیا را دارد، هم در بخش‌های پیامدهای علمی، روش انبیا را دارد و این راه باز است.

حضرت آیت الله جوادی آملی افزودند: در بیانات نورانی حضرت علی(ع) در نهج البلاغه آمده است. "هُمُ وَالْجَنَّةُ كَمَنْ قَدَّرَ آهًا فَهَمُّ فِيهَا مَعْمُونٌ وَ هُمُ وَالنَّارُ كَمَنْ قَدَّرَ آهًا فَهَمُّ فِيهَا مُعَذَّبُونَ" مردان با تقوا گویا بهشت را دیدند، گویا جهنم را دیدند و مانند آن این را می‌گویند مقام احسان، که مقام کائنات است. از وجود مبارک رسول خدا(ص) سؤال کردند، احسان چیست؟

حضرت محمد(ص) فرمودند: احسان سه قسم است و سه معنا دارد: أحسن یعنی «فعلاً حسناً» کار خوبی کرده. قسم دوم احسان است یعنی نسبت به دیگری خیری انجام داده. این دو قسم، معنای احسان است و روشن است. اما احسان یک اصطلاح دیگری دارد که در کتاب‌های اهل معرفت آن اصطلاح زیاد رایج است و آن از همین حدیث گرفته شده. وقتی از حضرت، سؤال کردند احسان چیست؟ فرمود: "الإحسان أن تعبد الله كأنك تراه لم تكن تراه

است، یک وقت است راه مفهوم و راه تجربه حسی را کسی طی می‌کند، او یک کوی دیگری است؛ اما کسی در این راه می‌رود حالا کسی بالای قله است یکی دامنه او و تابع او و اَمّت او، ولی راه همان راه است، منتها او صد می‌بیند، این یک می‌بیند، ولی همین راه است.

ایشان ابراز داشتند: چندین جا مرحوم آیت الله نجفی اصفهانی از ریاضات خود سخن می‌گوید، از مشاهدات خود سخن می‌گوید، این او را جزء وارثان انبیا قرار داده است. پیامد این علم که عنصر سوم است، آثار و برکاتی دارد که بیدار کردن خودش و بیدار کردن اَمّت اسلامی و نترسیدن. امروز اگر سخن از بیداری اسلامی است، خیلی گران نیست، خیلی سخت نیست، برای این که بسیاری از مردم هم فهمیدند، هم آماده همکاری‌اند، اما یک وقت است که آن چنان مردم مرده‌اند که هیچ اثری از حیات نیست. در این مجموعه کنزالکراچکی، چند رساله است یکی از آن رسائل؛ اصلاً رساله‌ای به نام رساله العجب یا التعجب است، اصلاً رساله اسمش تعجب است، مثل این که قوانین محقق قمی قانون است. فصول، صاحب فصول به فصل فصل است. آن کتاب آن رساله به نام عجب است، چون عجب عجب عجب عجب .

ایشان ادامه دادند: در آن جا می‌گوید که یک وقت بانویی که دومی ندارد در جهان اسلام، آن حضرت صدیقه طاهره(س) است، که چندین بار از مردم عصرش خواست که علی بن ابیطالب را یاری کنند. دختر پیغمبر بود، همه به عظمت او آگاه بودند، هیچ کس حرف او را جواب نداد. یک وقت یک زن دیگری قیام کرد، گفت مردم بلند شوید علی بن ابیطالب را بکشید صدها نفر قیام کردند. «عجبا» می‌گوید این را چطوری شما تحمل می‌کنید! یک زن به نام زهرا(س) که عظمت او قابل انکار نیست او مکرر در مکرر خواست که بیاید علی را یاری کنید، نکردند؛ یک زن دیگر بلند شد گفت بیاید علی را بکشید، صدها نفر گفتند لبیک. معظم له اضافه کردند: این گونه از آثار در عصرهای پیشین بود، الآن قدری کمتر شد. آن روزها مسأله جریان تحریم تنباکو به وسیله میرزای شیرازی مطرح شد، اما میرزای شیرازی در نجف این حکم را صادر کردند. اگر در ایران، علمای بزرگی نظیر مرحوم آیت الله نجفی اصفهانی در اصفهان، آیت‌الله آشتیانی در تهران، بزرگان دیگر اگر نبودند که این حکم اجرا نمی‌شد. این بیداری اسلامی است بعداً هم دیگران را در بخش‌های دیگر بیدار کردند، کار انبیا را اینها انجام می‌دهند.

ایشان افزودند: در بخش‌هایی از قرآن کریم، نام این گروه در کنار نام انبیا آمده که طاعوتیان "يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ". طاعوتیان، انبیا را و



مطرح است. هر وقت می‌خواهند قیام مردمی را مطرح کنند، از این گونه علما نام می‌برند، از این گونه فتواها و حکم‌های ولایی نام می‌برند.

ایشان تأکید کردند: بنابراین، ما این قداست را باید حفظ بکنیم، نه بیراهه برویم نه راه کسی را ببندیم. اگر نتوانستیم این راه را برویم، لااقل آدرس اشتباهی ندهیم. راه همین است که اینها رفتند و این لباس، لباس قداست است. این همایش‌ها، همایش‌های قداست است، اینها آموزنده است. اگر خدای ناکرده چیزی آلوده بشود آن ریا و سُمعه و امثال ذلک هرگز مُستهلک نمی‌شوند، مُهَلک‌اند. شما مستحضرید که بین مهلک و مستهلک فرق است.

معظم له ابرازداشتند: اگر یک وقت کسی در حال طبخ غذا است، مقداری خاک از بالا بریزد روی این غذا، چون دیگر بزرگ است ظرف بزرگ است غذا زیاد است، خوردن خاک گرچه حرام است ولی چون مستهلک شد خوردن آن آتش یا غذا عیب ندارد. ولی اگر همین آشپز یک قطره خون دستش باشد این کل آتش را آلوده می‌کند. این می‌شود مهلک او، می‌شود مستهلک بیراهه رفتن، راه دیگران را بستن، آدرس غلط دادن. ظاهر و باطن دو گونه بودن این مهلک است ولی اگر غفلتی کردیم، اشتباهی کردیم آن مستهلک است. از ما توقع ندارند معصوم باشیم ولی از ما توقع دارند عادل باشیم و این راهها همان راههای بزرگانی است که می‌تواند اثر بکند.

فائنه یراک" احسان این است که طوری خدا را عبادت بکنی که گویا او را می‌بینی، وقتی می‌گویی "إِيَّاكَ نَعْبُدُ" گویا او را می‌بینی، با چشم دل. بدان که اگر تو نمی‌بینی، بدان او تو را می‌بیند. این مقام «کأن» است آن مقام «أن» برای خود اولیای برتر است.

ایشان افزودند: وجود مبارک حضرت علی (ع) فرمود "ما كنت أعبد رباً لم أره" آن مقام «أن» است، این مقام «کأن». مراحل نازل را خیلی‌ها به «أن» رسیدند بعد از «کأن». مثل مرحوم آقای نجفی خیلی از چیزها را می‌گوید من مشاهده کردم، تسبیح جمادات را شنیدم. این که قرآن کریم دارد که «إِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ» هم مرحوم شیخ طوسی از ما، هم جناب زمخشری از اهل سنت، هر دو در بخش‌هایی که مربوط به حرکت جمادات است "وَأِنَّ مِنْهَا لَمَّا يَلْمِظُ مِنْ حَسْنِيَةِ اللَّهِ" و مانند آن. هر دو نقل کردند که وجود مبارک پیغمبر(ص) فرمود قبل از نبوت و بعثت من حجری بود که «کان يُسلم» هر وقت مرا می‌دید، سلام می‌کرد «و اِنِّي لأعرفه الآن» الآن هم من آن سنگ را می‌شناسم.

ایشان فرمودند: کسی مانند آیت الله نجفی به جایی برسد بگوید که من تسبیح جمادات را شنیدم، چنین عالمی می‌شود وارث انبیا. این اگر بنا شد جامعه را بیدار بکند در شبهه تنباکو و غیر تنباکو همان راه را می‌رود دیگر. معظم له ابرازداشتند: هم اکنون هم به عنوان فخر جهان تشیع و ولایت فقیه و کار روحانیت مساله تنباکو

زیارت اهل قبور به منزله یک مدرسه است نه مدرسه تجربی حسی، نه مدرسه تجریدی فلسفی و کلامی، مدرسه شهودی.



هم، حضار گرامی، مهمانان محترم، علما و بزرگواران حوزه پربرتکت اصفهان، اساتید و دانشمندان دانشگاههای اصفهان، مسوولان عالیقدر استان اصفهان همگی حافظ این مکتب و این مرام و این مشرب باشند که هم از تجربه حسی استفاده کنند هم از تجرید عقلی استفاده کنند هم از شهود و این بزرگوار، نه تنها جامع معقول و منقول بود بلکه جامع معقول و منقول و مشهود بود.

معظم له افزودند: برخی از علما فقط علم نقلی دارند. برخی از علما علم عقلی دارند. برخی از علما جامع معقول و منقول اند. کم‌اند عالمانی که این هر سه بخش معرفتی را جمع بکنند، جامع معقول و منقول و مشهود باشند. این بزرگوار از آن نوادر است که حشرش با انبیا و اولیای الهی باشد!

حضرت آیت الله جوادی آملی ابرازداشتند: امیدواریم همگان، هم در فراگیری معلوم، هم در روش علم، هم در پیامدهای علمی در عصری تلاش و کوشش بکنیم که ما هم جزء بیدار کنندگان جوامع بشری باشیم تا این نظام اسلامی به برکت خون‌های پاک شهدا به دست صاحب اصلی‌اش برگردد! ایشان درباره وجود مبارک ولی عصر یک سخن بسیار خوبی دارد که سخن روز است. برخی‌ها از شعر شاه نعمت الله ولی استفاده سوء کردند گفتند که نایب مهدی می‌آید، بعد این نایب را گفتند نون است و الف است و یاء است و باء، این را با حروف ابجد هماهنگ کردند. بعد گفتند اسماعیل هادی این است و این نایب مهدی است، شبیه آن چه احياناً شما می‌بینید، در این مسایل پیش می‌آید، به شدت ایشان برآشفت و رد کرد، گفت این چه سخن باطلی است مگر می‌شود در عصر غیبت، نایب خاص معین کرد مگر می‌شود وقت مشخص کرد. البته ما هر زمان موظف به حالت انتظاریم اما این حرف‌ها چیست؟!

ایشان افزودند: اینها درست است که خواص می‌فهمند، اما بیداری علمی است، هم جلوی بهاییت را می‌گیرد، هم جلوی ظهور خاص را می‌گیرد، هم جلوی مدعیان مخصوص را می‌گیرد حرف، حرف تازه است مثل این که الان در برابر سی دی ظهور، این حرف را دارد می‌زند. این صفحه را حتماً آقایان ببینند، اصراری که ایشان دارند که چطور شما می‌گویید نایب چهار حرف دارد با اسماعیل هادی هماهنگ است، مگر می‌شود در زمان غیبت این حرف را زد؟! این را می‌گویند بیداری که حرف، حرف تازه‌ای است حرف کهنه نیست، حرفی است که مصرف روز دارد، حرفی نیست که تاریخ مصرفش گذشته باشد. این است که الان هم که شما بزرگواران دارید تلاش می‌کنید، دارید خدمتی به نظام اسلامی می‌کنید این را هم بدانید ان شاء الله حشر همه آنها با اولیا باشد و سعی شما مشکور ذات اقدس الهی باشد.

ایشان ادامه دادند: این که مرحوم آیت الله نجفی فرمودند ۱۳۰ کتاب را من دیدم و عصاره آنها را اینجا نوشتم به حق راست می‌گوید. بسیاری از فرمایشات صدرالمتألهین در اسفار به صورت کلمات قصار آمده، بدون این که نام ببرند. فرمایشات حکیم سبزواری در منظومه در فرمایشات ایشان در آن اشارات ایمانیه هست بدون این که نام ببرند. سخنان عرفای بزرگ آمده بدون این که نام ببرند. ولی این کتاب را گویا در یک محدوده خاص نوشتند و به دلیل این که ایشان درباره قاعده الواحد اشکالی دارند که این اشکال نشان آن است که حرف‌های عمیق صدرالمتألهین را ندیدند خیال می‌کنند که منظور از "الواحد لا یصدر منه الا الواحد" همان وحدت عددی است و بعد می‌فرمایند خدایی که "إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ" همه چیز به اراده اوست.

معظم له افزودند: چگونه می‌شود گفت که "الواحد لا یصدر منه الا الواحد" این سخن حق است یعنی خدا وحدت عددی ندارد. کار او وحدت عددی نیست و کل عالم به اراده اوست، اما احدی از آقایان این را نگفتند یک وحدت منبسطی گفتند که هم خدای سبحان که واحد است منزّه از وحدت عددی است و هم فیض صادر او مبرای از وحدت عددی است. آن چه عرفا می‌گویند و بزرگان اهل حکمت گفتند این است که کل این عالم، یک واحد است. این که می‌گویند «این همه عکس می‌ و رنگ مخالف که نمود یک فروغ رخ ساقی است» همین، بعدها که به آثار عرفا و حکما بیشتر آشنا شدند مساله فیض منبسط، مساله اطلاق فیض اینها را زیاد مطرح کردند.

ایشان افزودند: اگر فیض منبسط است اطلاق است با عین "إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ" همین است خدا است و لا غیر کل جهان را او دارد اداره می‌کند. آن بزرگواران می‌گویند او واحد است نه وحدت عددی، این فیض هم واحد است نه وحدت عددی. عالم که یک واحد واقعی است «یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد» از آن مصدر واحد است غیر از آن یک مورد من ندیدم جایی ایشان نسبت به قاعده الواحد و امثال الواحد نقدی داشته باشند. این معلوم می‌شود این کتاب شریف را، این اشارات را در یک عصر، در یک سن، در یک زمان نوشتند در سنین مختلف در اعصار مختلف، در زمان‌های مختلف نوشتند منتها حالا یکجا چاپ شده برای این که آن تعبیرات بلندی که به عنوان فیض منبسط به عنوان اطلاق فیضی و مانند آن دارند این با آن نقد سازگار نیست.

ایشان ادامه دادند: مرحوم آیت الله نجفی اصفهانی به حق از وارثان انبیا و اولیا بود. حشر او با انبیا و اولیا و کوشش و تلاش برگزار کنندگان این همایش هم در گرامیداشت مساله وراثت انبیاست. امیدواریم که هم آن برگزار کنندگان

